

تئوری رزمندگان در مورد ساخت جامعه و نتایج سیاسی آن

چگونگی بروسطی شده و ساخت جامعه را مدبر داشته . این ساخت که حوه افتراق میان این تحلیلها روشن نمیکرد و دیدگاههای متفاوت از سرمایه داری وابسته انرا و نتایجی که هر یک از آنها در تحلیل مسائل طبقاتی ، اسرازی و تاکتیک ها و ... بدان دست می یابند ، آشکار می شود .

رزمندگان سرمایه سرما به داری وابسته ایران معضلات ، اما نادیده در سوسه های انسان و سوزنه در ساخت ساسی ای که می گیرند (گرفته اس سوسه ها نمونه سینک دویلهو کوشی و اسهام است و ساخت ساسی در زمان انبوهی از اس مهم کوشی ها و عدم صراحتها استار مسود ، اصوصح آشکار میگرد که کم نهادن به واسطی سرما به داری در ایران و با نظور

گروه کرانه ، بلکه در راستای با حکوتی نه سازهای که رابطه مستقیم ، روش و اساسی با شرایط منجسول انقلابی جامعه دارند ، مانند ، از اسروروس است که بحث برای بحث یعنی ارهای ناملات روستفکراسه خنده بورژواشی هرگز مورد افعال ما نبوده و میگویم که از تمامی توان خویش در جهت رفع معضلات جنبش کمونیستی و دمکراتیک میمانان سود خویش ، جنبشی که در سربویا و تکاملی خود مرود تا تغییرات بنیادین را بسودر چمنگان موجب کرده .

برخورد ما به مواضع "تازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" دقیقا از همین دیدگاه برخاسته و همین اهداف را جستجو میکند ، طبعی است که بغلت وجود یک سلسله اختلافات میان ما و اس رفقا ، اس سوسه در

مبارزه ایدئولوژیک بمنظور شهیدت تک — برولتاریا و زدودن انحرافات کونا کون و اسناد راههای نفوذ روبریونیستها ، ایاورونیستها و ... به درون جنبش کمونیستی و کارگری و دمکراتیک ، صرف نظر از ضرورت همبستگی این بعنوان حزبی لانفک از مبارزه طبقاتی ، در شرایط بحرانی خوامع اهمیت بمراعات بیشتری می یابد ، چرا که در دوران آرام و عادی که مسئله تدارک برای فرارسیدن روزهای دور مطرح بوده و وحدت مبارزه طبقاتی چندان محسوس و ملموس نیست ، جلوه های رنگارنگ انحرافات نیز بروشنی مشهود نمی گردد ، در دوران بحرانی است که نیروهای سیاسی مختلف جا بجا به مشخص طبقاتی خود را بازمی یابند ، سمت گیری آنها مشخص تر شده و در آرایش طبقاتی نقش تاریخی خویش را ایفا می نمایند . در دوران بحران و تند تند مبارزه طبقاتی و تند تند بجای این مبارزه است که انحرافات و سسهای نادرست و جلوه های کونا کون آنها آشکار شده و در عین حال خطر این انحرافات در جنبش معاطمی در سه سیرا هه کشاندن جنبش انقلابی بوده ها و وارد آوردن ضربات جدی بر اس جنبش افروسر میگردد ، آری ، سوزنه در جنبش رما سی است که نیروهای سیاسی طبقه کارگر در صورت فقدان درک روس و صحیح از مسائل اساسی و مرمج معده و جنبش (ساخت اجتماعی - اجتماعی جامعه ، قدرت سیاسی ، آرایش طبقاتی ، اسرازی و تاکتیک ، ...) به آنها تا در خواست نبوده های زحمکن را به سیر صحیح و اصولی مبارزه هدایت کرده و آنها را رهبری نمایند ، بلکه موجودات چنان انحرافات و ناملیمهای خواهد کشند که در نهایت سود بورژوازی است ما با توجه به اهمیت چندان در مبارزه ایدئولوژیک در شرایط فعلی و با توجه به توان خود و در دست و پلاشهای بیمنی - مان با انحرافات و کراشات روبریونیستی ، سرکشی و ایاورونیستی موجود در سیروهای جنبش کمونیستی و انقلابی میهن مان مبارزه می کنیم تا در سیرو کسرتن و تعمیق این مبارزات از یکوا انحرافات کونا کون (سوزنه روبریونیسم در انکال و رنگهای کونا کون بعنوان خطر اصلی جنبش کمونیستی) رسوا تر شده و در هم کوبیده شوند و ارسوی دیگر آن سیروهای واقعا پرولتری که در شرایط کمونی در کردات نیست ایدئولوژیک ، خرده کاری ، تفرقه و پراکندگی ساسی و تشکیلاتی گرفتارند و توفیق یابند تا به کرد ساسی و مثنی پرولتری دست به ایجاد اصولی و مستحکم زده و زمینه های مقدماتی ایجاد حزب طبقه کارگر فراهم کرد ، با این توجه داشت که دست یابی به اهداف قسوی وقتی میراست که محور مبارزه ایدئولوژیک نه ممانتی غیر ضروری و بعنوان یا سخی برای افتناع کجکاوی - های روشنفکرانه خرده بورژواشی و با محدودتکرسیهای

چرا رزمندگان در تحلیلها ، تبلیغات و سوسه های سروجی اس از مرحله فعلی انقلاب به صراحت سخن نمی گویند ؟ چرا متحدین سروسار را در این مرحله از انقلاب نشان نمی دهند ؟ و سساری چراغهای دیگر .

کلی حداد بدن سرما به داری از واسطی اسس اس تحلیلهای اس رفقا است . تحلیلهایی که خود ملینماز کراشات سرکشی رزمندگان است . برای رزمندگان ساخت جامعه ایران سرما به داری خود و مستقل است ولی اس مسئله اسس مایع از اس نمیکرد که آنها فعلا و بنا بر مقیضات آرا سرما به داری وابسته بگویند رزمندگان می نویسند که :

"... اگر کل مسائل بنیادین ، سیکل ساخت اجتماعی را میدهد ، نمی توان سیک جنبه فرعی و سیمی که خود ساسی از اس ، ساسیات و در دل اس ساسیات است ، برداشت و به این سیم ساسیات جنبه ای وارد نمود . یعنی با توجه به عملکرد و روند مستقل و ساسیات خود روابط نولند ، هرگاه به جنبه های سیمی و فرعی سیم و روابط سیرا سیم (که البته برداشت آنها هم ضروری است) هرگز نخواهم بوانست جامعه را سیرا سیم . چرا که طبعیت اس روابط و طبعیت سرما به داری که اس روابط را سیمت بخشیده است ، دوباره رجسوع به اصل نموده و واسطی را هر چند بینان ، گمیر و بگونه ای دیگر سیرا سیم نماید ... (رزمندگان شماره ۸ ص ۷ ، ناگده ها از رزمندگان است و ناگده دوخطی ارماست)

حد توان آن نیست که به ساسی اس اختلافات سیرا سیم بلکه سسها بر آغازی برای نقد فکر جا کم و اسس طاب شوریک اس رفقا و سس اسس ساسیات سیاسی ، عملی و سکلاسی آنان بوده و کسرتن اس مبارزه و سداوم و سعمو آن در مرده گاهای آبی ما خواهد بود . اولین سخن از مجموعه تفکرفوق الذکر که ردیای آن بصوح در با تحلیلها و اسس ساسیات رزمندگان دیده میشود ، درک نادرست و انحرافی آنان از اس ساسیات ، تا بومی سس حاکم بر آن و عملکرد آن و مسئله و اسسکی است که اس بدان خواهیم پرداخت .



یکی از مهمترین مساجی که در سس سیروهای انقلابی جامعه از سیرا سیم مطرح بوده و از اهمیت قوی - العاده ای سیرا سیم و اسس ، تحلیل از خصوصیات جامعه ، سسوه نولند غالب و ویژگیهای یک جامعه سرمایه داری وابسته میباشد . تا بنا احتیاجی به ساد آوری نباشد که اکثریت قریب با نفا و سیروهای کمونیستی و انقلابی جامعه را به نتایج سترکی در اس زمینه دست یافته و سسقا به "سرما به داری وابسته ایران" ادعان نموده اند . اما اس بدان معنی نیست که اس نتیجه گیری نظا هر یکسان و مشترک در تحلیل و سسای شوریکیمان استوار بوده ، از یک سیرو به تحلیل سس یکسان گذر کرده و سسقا جمله ، اختلافات کونا کوسی را در خود حمل نمی نماید . سس صرف اعتقاد به غالب بودن سسوه نولند سرما به داری در ایران و واسطی جامعه کار می ننوده ، بلکه با تحلیلها و نقطه غر سسها

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

رفقا که سعی دارند به حال ملین این دیدگاه‌ها بحرفی و نظریه وجود "نوروزاری ملی" تا حدی مایل باشند - روانه آذربایجان را زنده، خوددچار "جبر" روی داده در عین حال با "زیرکی" خاصی مسئله "سعی و فرعی" نبودن وابستگی را میمان می کنند. بنابراین و وابستگی "ناسی از این مناسبات و در دل این مناسبات است" و این روابط تولید عملگر دوروندی "مستقل و سامیک" دارند و با لاجرا بندگی وابستگی حقیقت "سعی و فرعی" دارند، چرا؟ برای اینکه "طبیعت سرمایه داری این روابط را عینت بخشنده است." مناسبات و مناسبات دوپهلوگویی ها چیست؟ اینکه سرمایه داری ایران حاصل یکا مل خودسوی جا معدیات کد در نیروی کار ملی خویش به وابستگی رسیده و این "اجداد" صورت گرفته است. آنچه که مرا موی مسودا بندگی را لای بدن سرمایه داری وابسته با سایر مناسبات و مناسبات سرمایه مالی امیرالسنی صورت گرفته است و در این زمان رزمندگان سعی بر عدم وابسته سرمایه داری و وابستگی نسبت به یکدیگر یک اگال "کوچک" دار و آسپه است که واضع بداند سرمایه را بحرفی است. آنچه که رزمندگان سعی بنده است که معتقد رانده شدن شیوه تولید مستو دالی و غلبه و حاکمیت شیوه تولید سرمایه داری در جا معدیات بلطفا امیرالسنی ما (می گوئیم غلبه و حاکمیت شیوه تولید سرمایه داری و نه وجود تولید سرمایه داری در جا معدیات) اما با سعی بر سایرها و مناسبات سرمایه مالی امیرالسنی و سایر "فرمهای" امیرالسنی آمریکا تا کمک نوروزاری کمبراد دور به انکار، درت سیاسی و ما سن دولتی وابسته عملی میگرد. برای رزمندگان مهم نیست که سرمایه های امیرالسنی با جریان با فیس در نیروی تولید و با زولید جماعی و اعمال سیاسی منطبق با مقتضیات سرمایه مالی و هدايت كل سرمایه اجتماعی از طریق دولت، سرمایه های بانکی و... کمنترول تولید و با زولید اجتماعی را در دست می گیرند و به همین خاطر سیستم توزیع و چگونگی تقسیم کل ارزش تولید شده در جا معدیات دولتی سر تسلط میگردند. اینکه پس از فرم سال ۴۱ نیروهای مولده در جا معدیات ما رتد یافته سایر آنگار است اما اصولا برای رزمندگان اهمیتی ندارد که روند نیروهای تولیدی جامعه پس از فرم سال ۴۱ اما با در نظر سایرها و مناسبات سرمایه مالی امیرالسنی و در محدودده تقسیم کار جهانی مبتنی بر این نیازها صورت گرفته، آنچه رندی تند با ما مورو و ناصی که با رنده همه جامعه نیروهای مولده و استقلال اقتصادی جا معدیات ملا در تصاد بوده و مانع رند مناسبات و همه جانبه تولید اجتماعی و نیروهای مولده جامعه (حتی در آن حسد تناسی که میتوان از سرمایه داری مستقل در شرایط تاریخی رفایست آزاد داشت) میگرد و همین امر بر رزمندگان را مبتنی بر یکا مل خودی و مستقل جامعه و استغرا سرمایه داری مستقل از امیرالسنی ما وابستگی "سعی و فرعی" به بندها راهی واهی مستدل میسازد. رزمندگان بخاطر دیدگاه بحرفی نسبت به چگونگی استغرا و حاکمیت شیوه تولید سرمایه داری در جا معدیات و با لطف نسبت به ساخت جامعه و توانمندسازی و عملگر آن، اما با آزر درک این مسئله عاجز است که عملگر قانون اساسی اقتصادی سرمایه داری یعنی

کسب ارزش واقعی در این ساختار شکل با من سودموی انحصاری برای انحصارات است که از طریق صدور و عملگر سرمایه مالی امیرالسنی در جوامع سرمایه داری وابسته بنده مسودا بندگی حرکت و عملگر در این ساختار اقتصادی و با توانمندی آن اما با سایرها و مناسبات و مناسبات و سایرها می این سرمایه مالی امیرالسنی است که خود با ناسی و وابستگی اقتصادی و سیاسی و... نظام سرمایه داری این گونه جوامع سرمایه داری امیرالسنی و امیرالسنی ملطفا است. بدین لحاظ بقوله وابستگی در جا معدیات ملطه و وابسته با شیوه تولید ملط سرمایه داری او از

امیرالسنی ما را من می کنند. امیرالسنی ما می تواند سلطه نظام سرمایه داری جهانی را بر اساس کشور اعمال نماید. (رزمندگان شماره ۱۴ ص ۸ - تا کد ارما ست ۱) اینکه سلطه و بهره گیری و غارت امیرالسنی بر کشور - های تحت سلطه نظام سرمایه داری وابسته و مناسبات و وابسته به سلطه مناسبات اقتصادی - اجتماع - سرمایه داری وابسته است امری آشکار است اما سیستم در این کفدهای رزمندگان جدید و تحلیلی به همه است و سایر کارگران تحلیلی خواهد بود. سر اساس فعل قول بود و در رزمندگان کوبا است

رزمندگان سرمایه داری وابسته ایران معتقد است. با ما دفع در سوسنه های ایران و سوزده در ساح سیاسی ای کد می گیرند (گرچه این سوسنه ها نمونه سبک دوپهلوگویی وابسته است و نتایج سیاسی در میان انبوهی از این میهم کوئی ها و نده تراحت ها است. اما می شوند) بوضوح آشکار میگرد که کمینا دادن بدو وابستگی سرمایه داری در ایران و با بطور کلی جدا دیدن سرمایه داری از وابستگی است. تحلیل های این رفقا است. تحلیل سیاسی کد خود بلطیم از کراسات برتسکیستی رزمندگان است.

آن حمله جا معدیات اجزا، ارکانیک و لانسک مناسبات تولیدی سرمایه داری حاکم بر کشور است. مناسباتی کد خود و سزگنهای عصر امیرالسنی و مقتضیات و کراسات سرمایه مالی امیرالسنی در رابطه با کشور حاکم سلطه و وابسته را دارا می باشد و از امر و وابستگی و سرمایه داری در جا معدیات است در ارساط ارکانیک تا یکدیگر منسک بنده و حاد یعنی سرمایه داری وابسته (سرمایه داری در جا معدیات و تحت سلطه) است (۱۱). اما قضا نه همین جا خاتمه نمی باشد و انحصارا ر رزمندگان در تحلیل ساختار جا معدیات غیر از آن است که در سایر سوسنه ها میروند. آنچه می گویند: "... موقعیت ما نسبت عملگر امیرالسنی مویکول و متوسط بداسن تا نگاه مناسبات در ایران است که بدون خود اس تا نگاه امیرالسنی هرگز نمی - تواند بر ما و ما و منافع خویش راست میگرد. بخصوص که این نگاه ها خسته با راده امیرالسنی باشد و غیر غم و وابستگی و ناصیعت آن نسبت به سیستم جهانی سرمایه داری، دنیا میک خاص خود را دارا است. عملگر امیرالسنی از نظر سلطه و بهره گیری بی حساب دقیقاً متوسط و در کروز مادگی با نگاه آن، یعنی سیستم سرمایه داری وابسته و طبعه نوروزاری وابسته مناسبات بدون تسلط مناسبات اقتصادی - اجتماعی و طبعاً طبعه خاصی که امیرالسنی از طریق آنها به غارت و بهره گیری خود ادا می دهد و بدون تسلط گروهی که منافع

سرمایه داری در ایران بطور خودی و یکا مل با همه و مسافرا امیرالسنی تا بدوسن طی روندی وابسته مسودا در حقیقت وابستگی بر آن نوار مسودا! و در حسن حالی "دنیا میک خاص خود را" دارا است و "ناخنه بلا راده امیرالسنی" نسبت (با ناسی) که عمدتاً دارای استقلال خاص خویش است. در عین حال رزمندگان سعی از "طبعه نوروزاری" وابسته "محبت می کنند" و در واقع همین دیدگاه را از حقیقت اجتماعی قضا می کنند و آن است که کوبا کلیل طبعه نوروزاری در ارساطی مستقیم و ارکانیک ما سرمایه مالی امیرالسنی بوده و با مغز استخوان وابسته هستند. اما با وضع در جا معدیات ایرانی حسن است؟ همانطور که تقسیم اربطن گفته های رزمندگان میبوان نتیجه گرفت که رزمندگان به نیکامل خودی سرمایه داری در ایران و سرمایه داری مستقل ایران معقد است پس در این صورت با بداسن شوال که قانون لرزش اجتماعی در این ساختار در حقیقت کلی (تخریب متوسط بود، شود انحصاری، ناسی...) خود را نشان میدهد با سح دهد و سز لازم است رفقا بروشنی نظرمان در مورد این نیروی کار ملی و غلبه و استغرا سرمایه داری در ایران را توضیح دهند و مشخص کنند که آیا بنظر ایشان این نیروی کار و خودی و بزرگی های وابستگی آن جزئی هما بند و صنعت بر سال، انبیا ناسی است، چیزی شبیه سوریه و... است؟ چرا که از نقطه نظر وابستگی در عصر امیرالسنی "سرمایه مالی در کلبه مناسبات اقتصادی و کلبه مناسبات بین المللی آنجان نیروی بزرگ و میتوان گفت فاطمی است که حتی فادراست دولتها بی راهم که از کمترین استقلال سیاسی برخوردارند تابع خود سازد و افعال تابع میسازد" و بدیهی است برای سرمایه مالی از همه تراحت تر و از همه برفایده تر

(۱) - ما در این مقاله به تغییرات سیاسی بعد از تمام و ناسی که این تغییرات بر حرکت اقتصادی جامعه داشته نمی. بردا زیم بلکه بطور کلی در مورد ساخت سرمایه داری وابسته به طرح نظرمان برداخته ایم.

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

پیکار

آنجان نایع نمودنی است که با اردست رهن استقلال ساسی کشورها و ملل با عدو ما بد "لینن امیریا لیسیمینا بهیالارین مرحله سرما به داری".

اذا فیه بران در مقابل اسدلال ما که میگوئیم شیوه تولید سرما به داری اما با سرما به داری و نیازهای سرما به مالی امیریا لیسینی و بواسطه زخم توسط امیریا لیسیم آمریکا و کمک بورژوازی کمپرادور و قدرت ساسی و مائین دولتی و اسبه در جارجوب حفظ سلطه و وابستگی در جا معما غلبه با فته و مستعمر شده و این غلبه و استغرا را حاصل نگا مل خودی سوسی سرما به داری در جا معدنیست و عملکرد آن سرماییسیتی بر منافع و نیازهای سرما به مالی امیریا لیسینی و سرما به احصاری و اسبه بوده است. رزمندگان چه اسدلالی دارد؟ چرا بطور واضح نمی گوید که نیروی استغرا سرما به داری از طرف ایران چگونه بوده است و بطور مبهم و دوپهلوی در لفا فته این نیروی را تصویر میکند؟

مسئله دیگر در مقابل مول فوق طیفه بورژوازی است نظریه و دیدگاه رزمندگان در مورد نیروی سلبه و استغرا و کیفیت سرما به داری در ایران لزوما و اسبه بودن کل طیفه بورژوازی ایران (از همان نوع و وابستگی مورد نظر رزمندگان) می استخام دولتی رزمندگان با "زرکی" و با نایمیدن کل طیفه بورژوازی ناعنوان وابسته و هدف را دنبال میکند؛ اول اینکه تفاوت میان بورژوازی کمپرادور، لیسرال و کوچک را مخدوش سازد و نتایج ساسی ثنویهای جوس را در پوشش نگهدارد و با ساسی برای برده بوسی مسئله اول نیز توجیهی داشته باشد که اس سوجه سیریکمان آنها در پوشش حمله به مستعدین "طیفه بورژوازی و اسبه ایران" تحت عنوان "تظہیر بخشی از بورژوازی و اعتماد به خود بورژوازی ملی" بدست می آید. اما واقعیت چیست؟ واقعیت اینست که کرجه کسب ارزش اما ذسی (سود آوری) افتار مختلف سرما به داری ساحت، و اسبه به مناسبات تولیدی موجود بوده و همین امر با عینی و وابستگی افتار مختلف بورژوازی به اس سیستم را بیان می نماید و کرجه افتار مختلف بورژوازی بدلیل اشتراک منافع در اجتماعتی تولید نیروی کار و کسب سود هر چه بیشتر و تا حد امکان، نظام اقتصادی سرما به داری وابسته اند و جنبه وحدت آنها در مقابل طیفه کارگر و دیگر زحمتکشان غالب است، اما (وابس اما ثی است که رزمندگان نمی بینند) در عین حال نمیتوان بورژوازی کمپرادور را با حسان سرما به های احصاری وابسته و نمایندگان ساسی آنها را که با مغز استخوان و اسبه به امیریا لیسیم و کارگر را آن هستند را با حسان سرما به های متوسط و کوچک (منظور لایه های با ثنین سرما به متوسط است) یکسان پنداشت. علت این امر روشن است زیرا اول بورژوازی متوسط و کوچک کار گزار را امیریا لیسیم و تا مغز استخوان و اسبه به آن نبوده بلکه از یک سو بیعت و وابستگی کسب ارزش اضافی و سود آوری سرما به ثان به مناسبات موجود، و اسبه محسوب میگردد و از سوی دیگر کارایش لیسرالی بورژوازی متوسط به تعدیل سلطه انحصارات بزرگ منینه های مختلف سطح سرما به های متوسط و غیر انحصاری و تمایل به تعدیل سلطه فاشیک امیریا لیسیم و تعدیل آن به شراکت با چند کشور امیریا لیسینی و کوشش آن برای سهمگیری و حضور در قدرت ساسی بمنظور پاسخ به این خواستها،

آنها را در مقابل سامل و کراس سرما به مالی امیریا لیسینی و سرما به احصاری و اسبه، نه با کمیت احصاری و کسب سود و هو انحصاری فرار میگذرد و همین از بنا به عینی تمایلات مناصا دو تفاوت میان آنهاست بغاوسی که نمیتوان آنها را دیده گرفت.

اما ساحت احصایات با بد بر اس خلدلیها حسب و حرار رزمندگان خارهای جرد برین آنها و از این رو بد برین ساحتات آنها را ندارد؟

دیدیم که ساحتات معبرای رزمندگان سرما به داریست و وابستگی برای اس رفعا علیر عم بد کراب مکرر بران در نارده حورار کاسک امیریا لیسیم "جبری" "فرعی و وسیعی" است که در لوما ساسی با سیر کفیی و عین کسند در حرکت حا معدا اسبه ما بد. چرا که روابط تولید موجود "عملکرد و رید مستقل و دسا مک"

مدهد، یعنی توان فضا را ایوانی کرد. رزمندگان عنوان یک نیروی ساسی با دنیا ساسی روس برای مسائل استراتژیک و ساسی دانسیا دنیا را ساسی سسوا بدنه کلی ساسی و مبهم کوشی، یعنی کاری که با کسب کرده است، اسکا کند. ما از رزمندگان میپرسم چگونه ساسی نظریه و ساسه سروسکسی "از میان وحدت کمونسیتی که معقد است" از این رو سروسکسی های رکار یک با بد بر سکه انقلاب احصای ساحتات حسی جزئی را سسوا حد عوض کند؟ اگر ما "مناسبات سرما به داری و سلطه طیفه سرما به داری را هدف داریم پس چرا انقلاب سوسال لیسینی نمی گذارد و اگر اسها هدف سسند پس چرا انقلاب احصای میخواند؟ آیا اس نیست که ساحتات هلاکت عوا مغر ساسه میگویند جدا کتیریک انقلاب ساسی را بعنوان یک انقلاب

آنچه که در رزمندگان نمی بینند است که نه عشق را بدیدن شیوه تولید فنودالی و غلبه و جا کمیت سوس تولید سرما به داری در خا معنه تحسب سلطه امیریا لیسینی ما (می کوشیم غلبه و جا کمیت شیوه تولید سرما به داری و بد وجود تولید سرما به داری در جا معنه؛ اما ساسی مبتنی بر نیازها و مفصیلات سرما به مالی امیریا لیسینی و بر اثر "فرمهای" امیریا لیسیم آمریکا با کمک بورژوازی کمپرادور و دساکت قدرت ساسی و مائین دولتی و اسبه عملی می گردد.

دارد و با ساسی کسبه خود اس رفعا هر کاسه حسیه های "فرعی و وسیعی" و اسکی بیداریم "هر کس بجوا هم سوا سب حا معدا سیر دهم"، البته رفعا بد کرمید هند که "اسد بردا حسی به آسپا هم ضروری است" ولی بنظر ما اسگونه "بردا حسی" رزمندگان نیز همانند بر خورد در اس رو به ای که فقط برو اسکی و مسئله سلطه امیریا لیسیم بطوریکه ساسه سکه میکند عملا جبری جردا بدین وابستگی وسیعی و فرعی کردن آن و سکه یک جا بد بر سرما به داری حا معدنیست.

* "براس نظریات رزمندگان ما با حا معدنای سرما به داری روبرو هستیم و همین خاطر مسئله انقلاب ایران "نا بودی سیستم، نا بودی روابط غار کراسه و ستمکراسه طبقاتی" (سخوان روابط سرما به داری) است و "طیفه بورژوازی با دنیا بود نمود"، (نوجه سوده کاسین وظیفه مستقیم و در دسور برای مرحله فعلی است که میگوید "نا بود" و نه سیریکون. در مورد فرق این دو، و اصولا در این زمینه در جای دیگر سخن حوا هم گفت) ساسی بر این رزمندگان بر با به اس ثنوری خود با سده مرحله انقلاب ایران را سوسال لیسینی بداند نه دمکراتیک - فدا امیریا لیسینی (در گذشته ارائه سز انقلاب با مضمون سوسال لیسینی و شکل دمکراتیک رفعا سز نتیجه اجتنابنا پذیر همین تفکر و نگرش بوده است). البته ساحتات به انقلاب دمکراتیک "منعطف" و با نکر صرف ساحت کاسی ساسی به بلغانف بدون اینکه در نظریه سیریکه بلغانف با سئوالات خود از کاسی ساسی چگونه مرزها را مخدوش میکند و کاسی ساسی چگونه در حد خویش پاسخ روشنی به مسائل جا معروسه

احصای جا سیر سوسال لیسیم ما هت با رکار و رفعا سسب خود را سوسا سده؟ (انقلاب سوسال لیسینی با دمکراسک - صفحات ۵۷ و ۵۸) مرز بندی میکنند - راسی اگر رزمندگان اختلاف نظری با نقل قول سالا ندارد که بخاطر تحلیل آسان اساحتات جا معنه معتقدم حسن اختلاف نظری وجود دارد (حوا آسکارا با آسان هم جدا نمی سوند؟ حرار رزمندگان در تحلیلها و سلطهات و سوسنه های نیرو ساسی اس از مرحله فعلی انقلاب سراسحت سخن نمی گویند؟ چرا مجدس برولیا را رادراسین مرحله انقلاب ساسی سدهد؟ و ساسی کارهای دیگر، ممکن است رزمندگان معتقد باشند که مرحله انقلاب هم سسل و هم بعدا ر ساسا سوسال لیسینی بوده و هت (ما می کوشیم ممکن است و آسها سوجه به اصحالات! اما اس اصحالات هم وجود دارد که رزمندگان مجددا به کسب ساسی از دای سسند و یک انقلاب دمکراسک با سوسال لیسینی غیر منعطف! (از همان نوع مضمون سوسال لیسینی و شکل دمکراسک) (۲) عرضه کنند، با بد سیر کرد و سده در اس صورت روابط طبقاتی و طرفینهای ساسی حاصه را تا سسل اسها مو سرتک افتار مختلف خرده بورژوازی حسی خرده بورژوازی مرهه را در انقلاب، کرجه بطور

(۲) - اینکه ما بهی اس "نوع" اساره می کنیم بدین خاطر است که رفعا رزمندگان قبلا س نظریه را جز نظرات دروسی در سطح حسی بخش کردند و اسعدا ما همان دیدگاه امروز رزمندگان غالب است و بدون مرز بندی و تعدد نظرات را به سده فعلی بطور پوشیده همان نظریه را سروج می کند.

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونسیتی

نبودن "امپریالیسم" از "سیستم" پس بگیرند و ما هم در مقابل حرف خودشان را برای این رفقا تکرار میکنیم و آنها بنگه:

"... جدا کردن وابستگی از سیستم اقتصادی - سیاسی حاکم بر ایران جز بیفایده و بیفایده است. هیچ طبقه دیگری نیست" (رزمدگان شماره ۸ صفحه ۶)

آری، رفقا مبارزه طبقاتی از مبارزه ضد امپریالیستی جدا نیست و بدون نابودی سرمایه داری وابسته و سلطه سرمایه قطع وابستگی هم ممکن نیست، اما چه سود که شما گرجا این مسائل را در حرف عنوان میکنید، ولی هنوز بدلیل انقطاع در تئوری مربوط به ساخت سرمایه داری وابسته و روابط طبقاتی در این

میشود. اینجا است که اهمیت و عظمت استراتژیک مبارزه برای کسب استقلال سیاسی، اقتصادی و... بر علیه امپریالیسم و وابستگی و سرمایه داری وابسته به حدیک حدها کشیکی در حالتی که امپریالیسم دست به تجاوز از آسکار نظام می زند و زول میکند. این امر چیزی جز نتیجه سیاسی و استعلاسی "جنبه فرعی و نسبی" وابستگی نیست به مسئله روابط سرمایه داری در جامعه سرمایه داری وابسته، در عرصه سیاسی و محدودش کردن استراتژی و تاکتیک نیست.

ارائه این "تر" مبنی بر نظریه و تئوری رزمدگان اگر تا قبل از ما مرسوم بود و اما واقعات آسکار وابسته خاص بر موجود، در شرایط بعد از ما مودرتوجه

نا بگیریم، چگونه توضیح میدهد؟ آیا رزمدگان هیچ انقلاب سوسیالیستی سراغ ندارند که خرده بورژوازی مرفه در آن شرکت کرده باشد؟ و اگر این رفقا معتقدند که پس از قیام ما مرحله انقلاب عوض شده و سوسیالیستی است، مبنای تحلیلشان را کدام تفصیر در ماسات اما سیاسی طبقات تشکیل میدهد؟ مسئله دیگری که درک انحرافی رزمدگان از ساخت جامعه سرمایه داری وابسته است، آنهم نشان میدهد، مسئله مبارزه طبقاتی و مبارزه ضد امپریالیستی است. رزمدگان بدرستی میگوید:

"مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه سرمایه داری وابسته جدا نیست".

اما خود این رفقا درک درستی از مفهوم و محسوس این امر ارائه نمی دهند. آنها که وابستگی را از سرمایه داری جدا میکنند، طبیعی است که نتوانند ارتباط میان مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه طبقاتی را در جامعه وابسته درستی درک کنند.

اصولا سودیک درک صحیح و روشن از سرمایه داری وابسته و مکانیسم آن تحت عملکرد همین تئوری همیشه سبب به "ج" و راست رفتن رزمدگان شده است. این رفقا که روزی بخاطر همین درک نادرست در حوزة سیاسی وضعیت سیاسی آینده... "براست افتاده و وجود سوزواری ملی را می پذیرفتند، امروز با هم بخاطر همین درک نادرست به "ج" در غلطیده و تحلیل شبه ترستیستی از ساخت جامعه ایران، مرحله انقلاب و... ارائه می دهند.

ساخت مفهوم آنها را بدرستی درک نکرده اید. بعنوان موخره ما فک کنیم که اصولا نبود درک صحیح و روشن از سرمایه داری وابسته و مکانیسم آن تحت عملکرد همین تئوری همیشه سبب به "ج" و راست رفتن رزمدگان شده است. این رفقا که روزی بخاطر همین درک نادرست در حوزة سیاسی وضعیت سیاسی آینده... "براست افتاده و وجود سوزواری ملی را می پذیرفتند، امروز با هم بخاطر همین درک نادرست به "ج" در غلطیده و تحلیل شبه ترستیستی از ساخت جامعه ایران، مرحله انقلاب و... ارائه می دهند، "جی" که لزوما در عمل نطفه های راست آن از هم اکنون (رزمدگان شماره ۱۲) آسکار شده است.

این بحث را در آینده و در زمینه های دیگر نیز ادامه خواهیم داد.

تفسیرات سیاسی ای که موجود آمده (بدون اینکه این تفسیرات در وضعیت سیاسی و اجتماعی شدن تغییردهد استراتژیک و مرحله انقلاب تا ندمتها این تفسیرات و طایفه جدیدی را لحاظ تا کنک موجب کرده است) تا امر این در وهله نخست تا حدی مخفی و بیجوده و پوشیده میماند. تا این ترتیب علیرغم اینکه رفقا می گویند:

"... اسباب سرزگی است که هر آینه ما تا تلقی مکانیکی از عملهای "امپریالیسم" بعنوان نیروی جدا از سیستم کتیک و استراتژی خود را نبینیم کسب" (رزمدگان شماره ۱۴ صفحه ۸) خود سبب تئوری حوس در مورد ساخت جامعه و روابط طبقاتی آن عیلا مرتکب این اسباب بزرگ میشوند و با جدا کردن وابستگی از سرمایه داری و جنبه نسبی و فرعی فاشل شدن برای وابستگی کفنه های خود را هم در مورد جدا

این امر ارائه نمی دهند. آنها که وابستگی را از سرمایه داری جدا میکنند، طبیعی است که نتوانند ارتباط میان مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه طبقاتی را در جامعه وابسته درستی درک کنند. رزمدگان که میگویند با رزمدگان ها و رزمدگان ها را با یکدیگر از هم جدا میکنند، خود در واقع "ج" را با "ج" اشتباه میکنند. مبارزه ضد امپریالیستی "فروری" میماند. و نه آن ماکول می کنند و ولی واقعا مبارزه طبقاتی را با این مسئله نمی سازند. مبارزه طبقاتی را بیفایده میکنند. اما چرا با "ج" در واقع انحراف دیگری شده و مبارزه ضد امپریالیستی را تا سعی از مبارزه طبقاتی تصور میکنند. این جریان نیز عملا قادر نخواهد بود در مبارزه مورد نظر جامعه عمل بیوشنا ندوید. مبارزه لطفه میرسد. زیرا در جامعه نخست سلطه با نظام سرمایه داری وابسته همانطور که سرمایه داری و وابستگی در ارتباط ارگانیک و لایسک با یکدیگر قرار دارند، بلحاظ استراتژیک مبارزه ضد امپریالیستی و طبقاتی نیز پیوسته ارگانیک و جدائی ناپذیر با یکدیگر دارند.

رفقای رزمدگان سررا کرایس "ج" خود علیرغم تا کید برخدا نبودن مبارزه علیه سرمایه داری وابسته و امپریالیسم از هم معتقدند که:

"تجاوز امپریالیسم، برای ما به معنی همزمانی مبارزه با است. ضعف تا قوت مبارزه منظور مشخص علیه یکی به معنی ندیده گرفتن و فراموش کردن دیگری نیست." (رزمدگان شماره ۹ صفحه ۲۱ - تا کید از ما است.)

حوسی آسکار است. از آنجا که رزمدگان معتقدند تا کمل خود پیوسته سرمایه داری در ایران و پیوسته استغرا رو علیه مستقل آن است. لذا عملا حضورا نیز - با لیسیم و مبارزه ضد امپریالیستی بوده ها در آن - را بطنه تنها در شکل داخل منقسم و با آسکار امپریالیسم مفهوم می نماند و با آسکار امپریالیستی درک جامعه سرمایه داری وابسته به معنی اهمیت با فین جنبه وابستگی در مبارزه و همسراری آن سبب سلطه سرمایه در مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی برای نابودی سرمایه داری وابسته و سلطه و نفوذ امپریالیسم بوده و لذا باعث "همزمانی" مبارزه علیه این دو تلقی میشود.

با این تلقی ارتجوا امپریالیستی است که مبارزه ضد امپریالیستی با مبارزه طبقاتی "همزمان"



مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست